

« زن و مطالعات خانواده »

سال هفتم - شماره بیست و نهم - پاییز ۱۳۹۴

ص ص: ۵۳-۷۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱۹

بررسی روابط بین عوامل فردی - خانوادگی و ترجیحات همسرگزینی با رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل در آموزش و پرورش

روح اله رحیمی^{۱*}

دکتر مختار عارفی^۲

سهراب مرادی زاده^۳

چکیده

این پژوهش با هدف تعیین نمودن روابط بین عوامل فردی - خانوادگی و ترجیحات همسرگزینی با رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل در آموزش و پرورش شهرستان دلفان انجام گرفته است. نمونه پژوهش مشتمل بر ۲۳۸ آزمودنی (۱۱۹ زوج) بودند که جهت بررسی دقیق تر روابط مورد پژوهش از نمونه‌گیری جامع استفاده شد و کلیه جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت. برای جمع آوری اطلاعات از سه پرسشنامه انریچ، اطلاعات فردی - خانوادگی و ترجیحات همسرگزینی استفاده شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر روش‌های آمار توصیفی، ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون t، تحلیل واریانس یک راهه، آزمون تعقیبی شفه مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان داد که در بین عوامل فردی - خانوادگی؛ میزان درآمد ماهانه و سابقه طلاق با رضایت زناشویی رابطه مثبت داشت و عواملی چون تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج رابطه منفی معنادار با رضایت زناشویی دارند. علاوه بر این، بین سایر عوامل مانند میزان تحصیلات، سن ازدواج، تفاوت سنی زن و شوهر، نوع ازدواج و رضایت زناشویی رابطه ای وجود ندارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که بین ترجیحات همسرگزینی و رضایت زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به سطح پایین رضایت زناشویی در این گونه از زوج‌های هر دو شاغل، لزوم توجه بیشتر به عوامل فردی - خانوادگی قبل از ازدواج ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به رضایت زناشویی بالاتر در شیوه همسرگزینی آشنایی و رضایت خانواده، این شیوه جهت انتخاب همسر توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، زوج‌های هر دو شاغل، ترجیحات همسرگزینی، عوامل فردی - خانوادگی.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی تهران (نویسنده مسئول). Rohollahrahimi02@Gmail.com

۲. عضو هیأت علمی، گروه روانشناسی و مشاوره، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین رویدادهایی است که بر زندگی فرد و میزان بهزیستی وی مؤثر است (استاتزر و فری^۱، ۲۰۰۶) که از طریق آن طرفین ضمن حفظ استقلال نسبی، در جهت تکامل شخصیت، شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های یکدیگر تلاش می‌کنند (نورانی پور، بشارت و یوسفی، ۱۳۸۶). وضعیت تأهل، قوی‌ترین و بادوام‌ترین پیش‌بینی کننده خوشبختی افراد می‌باشد و کیفیت رضایت زناشویی نیز به طور معناداری با خوشبختی و احساس رضایت کلی فرد از زندگی رابطه دارد (آریندل و لوتینی^۲، ۲۰۰۰). رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیش‌تر مواقع احساس خوشبختی و رضایت از همدیگر داشته باشند (تونی گوچی، فریمن، تایلور و مالکارن^۳، ۲۰۰۶). تعارض زناشویی نیز نوعی عدم توافق مداوم و معنادار بین دو همسر است که حداقل توسط یکی از آنها گزارش شود. منظور از معنادار، تأثیر این مسئله بر عملکرد همسران و منظور از مداوم، اشاره به اختلافاتی است که به مرور زمان از بین نمی‌روند (هالفورد^۴، ۲۰۰۱).

همچنین تحقیقات بین‌المللی نشان می‌دهد که ۷۰٪ مردان و ۸۳٪ زنان تعارضات شدید بین‌نقشی و تقاضاهای کار و خانواده را تجربه می‌کنند (کوپر^۵، ۱۹۹۱). زوجین هر دو شاغل^۶ در این راستا پیشقدم هستند. آنها زوج‌هایی هستند که هر دو طرف برای پرداخت هزینه‌های زندگی مشترک در خارج از خانه کار می‌کنند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد این نوع خانواده‌ها با چالش‌های مختلف در محل کار و زندگی مشترک شان مواجه هستند (نظری و سلیمانیان، ۱۳۸۶). برخی از مطالعات در مورد زوجین هر دو شاغل (لیس، ارچول، استابل و آکسلسون^۷، ۲۰۱۰) نشان داد که تغییر ساختار خانواده به وسیله شاغل شدن هر دو نفر به تعارض بیش‌تر، شادی کمتر و گنگ شدن نقش‌های جنسیتی زن و شوهر منجر می‌گردد. لاگران و زیسی موپلوس^۸ (۲۰۰۷) معتقدند زوجین هر دو شاغل مشکلات درون فردی و بین فردی در خصوص تربیت و مراقبت از فرزندان، کار در خانه و ... را تجربه می‌کنند. تعارض نقش^۹ برای این نوع زوجین به دو نوع تعارض حرفه‌ای- والدینی^{۱۰} و حرفه‌ای- همسری^{۱۱} تقسیم می‌شود (بارلی^{۱۲}، ۱۹۹۶). بعلاوه مشخص

1. Stutzer & Frey
2. Arrindell & Luteini
3. Taniguchi, Freeman, Taylor & Malcarne
4. Halford
5. Cooper
6. Dual - Career Couples
7. Liss, Erchull, Staebell & Axelson
8. Loughran & Zissimopoulos
9. Role Conflict
1. Professional-Parent Conflict
2. Professional-Spouse Conflict
3. Burley

شده است که چه در مردان و چه در زنان هر دو شاغل، سطوح بالای تعارض نقش با سطح پایین رضایت زناشویی مرتبط است (جین کینگ^۱، ۲۰۰۵).

تعداد زوج‌های هر دو شاغل دائما در حال افزایش است. این زوج‌ها هر روز در مقابله با انواع مختلفی از مشکلات هستند. مهم‌ترین مشکل آنها نیاز به حفظ کار و خواسته‌های نقش خانواده به طور همزمان است. سایر چالش‌ها شامل درگیری‌های مراقبت از کودکان، درگیری‌های کار و خانواده، روابط زناشویی، وابستگی به دیگران برای امورات منزل و مراقبت از کودکان، رفاه شخصی و نگهداری روابط اجتماعی است (سلطان، تبسم و عبدالله^۲، ۲۰۱۴).

عدنان، سلطان و سبیرا^۳ (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود ضمن مقایسه رضایت زناشویی در میان زوج‌های تک شاغل و هر دو شاغل؛ به این نتیجه رسیدند که نقش‌های جنسیتی سنتی در زوج‌های تک شاغل و نقش‌های جنسیتی برابری طلب برای زوج‌های هر دو شاغل با رضایت زناشویی بیش‌تری توأم هستند. یافته‌های این مطالعه همچنین نشان داد که زوجین هر دو شاغل نسبت به تنش و افسردگی آسیب پذیر هستند. تعارضات خانوادگی این گروه از زوج‌ها، شغل آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، به گونه‌ای که یافته‌های توماس، آلبرت و وایت^۴، ۱۹۸۴؛ یوگیو^۵، ۱۹۸۳؛ وایت و لیلارد^۶، ۱۹۹۳ نشان داد که در مقایسه با میانگین طلاق، میزان طلاق در زوجین هر دو شاغل بیش‌تر است. از این رو با توجه به گسترش روزافزون تعداد زوجین هر دو شاغل در جامعه، پرداختن به این گونه زوج‌ها و مسائل و مشکلات آنها ضروری به نظر می‌رسد.

حسینی بیرجندی (۱۳۹۰) ازدواج موفق و سالم را مستلزم هماهنگی کلیه عوامل فردی، اجتماعی، خانوادگی، اخلاقی، جسمانی و روانی می‌داند و معتقد است حتی نادیده گرفتن یک مورد و توجیه غیر موجه در مورد آن، آنچه به دنبال خواهد داشت پشیمانی و ندامت خواهد بود.

پژوهش تورمتی و ابوتسی^۷ (۲۰۱۳) در مورد تعارضات زوجین نشان می‌دهد که عوامل فردی، خانوادگی و روانی نقش بسیار مهمی بر نگرش زن و شوهر نسبت به تعارض زناشویی ایفا می‌کند. با این حال آنها معتقدند که تحقیقات نسبتاً کمی بر روی عوامل مؤثر بر درک همسر از تعارضات زناشویی وجود دارد.

-
1. Jean King
 2. Sultan, Tabassum & Abdullah
 3. Adnan & Sabira
 4. Thomas , Albert & White
 5. Yogev
 6. Lillard
 7. Tormeti & Abotsi

علاوه بر مسائل ذکر شده یکی دیگر از عوامل مهم که فرد باید تقریباً تا پایان عمر، پیامدهای مربوط به آن را بپذیرد، ترجیحات همسرگزینی^۱ است. برخی از مسائلی که در این مرحله برای فرد مطرح است شامل؛ نوع گزینش همسر، چگونگی رعایت نظر والدین در عین حفظ استقلال در تصمیم گیری، آمادگی، رشد و پختگی لازم برای ازدواج می‌باشد. در عصر کنونی، به ویژه در دهه های اخیر در ایران، آزادی های فردی دختر و پسر، در گزینش همسر فزونی یافته است، با وجود این، افراد در انتخاب شریک زندگی باید قواعد پیچیده و دقیقی را رعایت کنند و در این میان نقش والدین هنوز برجسته است (سالاری فر، ۱۳۹۲).

حافظه تاریخ شیوه‌های متعدد و متنوعی را در امر همسرگزینی به یاد دارد: اسارت و یغما برای زن، خریداری یا مبادله او، زناشویی داد و ستدی، مبادله دو نامزد، مبادله خواهران با همدیگر، اهدای دختر یک قبیله یا طایفه در برابر وقوع قتلی تحت عنوان «خون بس»، نامزد کردن در دوران کودکی، لویرا^۲ «اجبار مرد به ازدواج با بیوه برادر خود» و سوروا^۳ «ازدواج اجباری زن با شوهر خواهر خود هنگام مرگ خواهر» خواهر» (مظاهری، صادقی، نصرآبادی و انصاری نژاد، ۱۳۸۸). فرایند گزینش همسر در دوره‌های گذشته کمتر در اختیار دختر و پسر بود که با هم ازدواج می‌کردند. معمولاً بزرگترها، به ویژه والدین، بیشترین نقش را در ازدواج فرزندان داشتند. این امر شاید به دلیل ازدواج در سنین کم به ویژه در مورد دختران بود. به علاوه، خانواده گسترده و وابستگی دختر و پسر جوان تا سال‌ها به خانواده اصلی موجب می‌شد تصمیم گیری اصلی بر عهده خانواده آنها باشد (سالاری فر، ۱۳۹۲).

ویژگی‌های غالب ترجیحات همسرگزینی یاد شده، عدم توجه به احساسات شخصی و بی‌اعتنایی به آزادی‌های فردی طرفین ازدواج می‌باشد، حال در عصر حاضر ازدواج‌های تجویزی^۴ جای خود را به ازدواج‌های ترجیحی^۵ داده‌اند. فهمیدن این که افراد چگونه یکدیگر را انتخاب می‌کنند و شناخت ویژگی‌هایی که می‌تواند موفقیت یک رابطه را پیش بینی کند یکی از روش‌های بنیادی برای کاهش نرخ طلاق در جوامع مختلف است (لیو، کمپبل و کندی،^۶ ۱۹۹۵).

در مورد رابطه عوامل فردی-خانوادگی و ترجیحات همسرگزینی با رضایت زناشویی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. صداقت (۱۳۸۲) در پژوهش خود نشان داد زنانی که در سنین زیر بیست سالگی ازدواج کرده اند رضایت زناشویی کمتر و کسانی که در سنین ۲۰ تا ۳۰ سالگی ازدواج کرده اند بیشترین میزان رضایت زناشویی را دارند. در این پژوهش مردان دارای دو فرزند بیشترین و مردان دارای چهار فرزند و بالاتر، کمترین میزان رضایت زناشویی را داشتند. همچنین بین طول مدت ازدواج

1. mate selection Preferences
2. Levirata
3. Sorovata
4. Prescriptive
5. Preferential
6. Liu, Campbell & Condie

زنان و رضایت زناشویی نیز همبستگی منفی وجود داشت. شبانی حصار (۱۳۷۹) نیز در مطالعه خود نشان داد که با افزایش طول مدت ازدواج میزان رضایت زناشویی در زوجین کاهش می‌یابد. ویلیام و مارک^۱ (۲۰۰۸) نیز در تحقیقات خود نشان دادند که سازگاری زناشویی در دو سال اول زندگی زناشویی قابل پیش بینی است.

زرشکن زمانپور (۱۳۸۰) در تحقیقی که روی ۷۰۴ زوج بین سنین ۲۵ الی ۶۵ سال به عمل آمد، نشان داد که سن زوجین ربطی به رضامندی زناشویی ندارد. نصرآبادی (۱۳۸۴) نیز به این نتیجه رسید که بین سطح تحصیلات و سن ازدواج با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین تعداد فرزندان و رضامندی زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. باقری (۱۳۸۳) نیز نشان داد که تحصیلات زن و شوهر و همگونی تحصیلات با کیفیت زناشویی رابطه دارد. وی همچنین به این نتیجه رسید که بین سن زن و شوهر، سن هنگام ازدواج و اختلاف سنی زن و شوهر و کیفیت زناشویی رابطه وجود دارد. تحقیقات طولی لوچتی^۲ (۱۹۹۹) و پژوهش کلایفورد^۳ (۲۰۰۸) نیز نشان داد که مشکلات اقتصادی باعث کاهش رضایت زناشویی شده و کیفیت و ثبات زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بکچتی و روزتی^۴ (۲۰۰۹) نیز به یک تعارض عمده در این زمینه اشاره کرده اند که از یک طرف اعتقاد بر این است است که زوجین دارای درآمد بالا، از سطح رضایت زناشویی بالاتری برخوردارند و از طرف دیگر مشخص شده است که پول تأثیر کمی بر روی خشنودی زناشویی دارد.

فلمن^۵ (۱۹۹۸) به نقل از حافظ شعرباف و حسینیان، (۱۳۷۹) در تحقیقات خود به رابطه منفی بین تعداد فرزندان و رضایت زناشویی دست یافت و بیش از چهار فرزند را موجب کاهش رضامندی و عدم ثبات زناشویی می‌داند. در بررسی رضامندی زناشویی و سابقه طلاق، پژوهش‌های مک کری و کوستا^۶ (۱۹۹۲) و هارول^۷ (۲۰۰۱) به رابطه منفی بین این دو متغیر اشاره کرده و بیان داشته اند هر چه تعداد دفعات طلاق بیش تر باشد، رضایت زناشویی به میزان بیش تری کاهش می‌یابد.

در مقایسه تعارض زناشویی در ازدواج‌های فامیلی و غیر فامیلی نیز پژوهش‌ها تفاوت معناداری را گزارش نکرده اند (صادق مقدم، عسگری، معروضی، شمس و طهماسبی، ۱۳۸۵؛ تقوایی ۱۳۸۵). اما هارول (۲۰۰۱) در بررسی ازدواج‌های همخون و سازگاری زناشویی در ترکیه به نتایج متفاوتی دست یافت. نتیجه مطالعه او نشان داد گروهی که ازدواج همخون یا فامیلی داشتند نسبت به نوع غیر فامیل، سازگاری زناشویی کمتری داشته و تعارض بیش تری با خانواده گسترده خود تجربه کرده اند.

1. William & Mark
2. Lucchetti
3. Clifford
4. Becchetti & Rossetti
5. Feldman
6. Mccrae & Costa
7. Hurol

در زمینه ترجیحات همسرگزینی شواهد نشان می‌دهد که برخی از افراد در به دست آوردن همسری مطابق با ایده آل‌های خود موفق هستند و برخی دیگر نه، پیامد چنین انتخابی، نارضایتی‌های زناشویی بعدی و در نتیجه طلاق است (برومباخ^۱، ۲۰۰۷). تحقیقات شودر^۲ و همکاران (۱۹۹۰)، به نقل از نصرآبادی، (۱۳۸۴) نشان داد به طور کلی، درصد طلاق در میان کسانی که بر مبنای خواست والدین خود یا گروه دیگری از جمع ازدواج می‌کنند، خیلی پایین تر از درصد طلاق میان کسانی است که به خاطر عشق ازدواج می‌کنند. گوپتا و سینگ^۳ (۲۰۰۳)، به نقل از پیرمرادی، (۱۳۸۳) بر پایه تحقیق خود در هند گزارش دادند؛ زوج‌هایی که به خاطر عشق ازدواج کرده بودند، به مرور از شدت عشق آن‌ها کاسته می‌شود اما آنهایی که با مقدمات ازدواج کرده بودند، بیش‌تر در زندگی زناشویی خود پایدار هستند. مؤسسه آمارگیری گالوپ^۴ در سال ۱۹۸۸ به نتایج جالبی در زمینه رابطه شیوه شروع زندگی مشترک با ثبات زناشویی رسید. این مؤسسه گزارش نمود کسانی که یکدیگر را می‌شناسند به مراتب از کسانی که گمان می‌کنند عشق باید شروعی آتشین داشته باشد، موفق‌ترند. لذا عشقی که در اثر مهر و محبت به وجود می‌آید، بیش‌تر دوام پیدا می‌کند (نصرآبادی، ۱۳۸۴).

با توجه به مطالب ذکر شده بررسی و تحقیق پیرامون عواملی که می‌تواند رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل را تداوم بخشد و یا این نوع خانواده‌ها را در معرض نابسامانی و از هم پاشیدگی قرار می‌دهد ضروری به نظر می‌رسد، لذا پژوهش حاضر به بررسی و سنجش روابط بین عوامل فردی - خانوادگی (میزان درآمد ماهانه خانواده، تحصیلات زوجین، نوع ازدواج، سابقه طلاق، تفاوت سنی زن و شوهر، سن ازدواج، تعداد فرزندان و طول مدت ازدواج) و ترجیحات مختلف همسرگزینی با رضایت زناشویی در زوجین هر دو شاغل در آموزش و پرورش شهرستان دلفان می‌پردازد.

ابزار و روش

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی و همبستگی است زیرا از یک سو به توصیف آمارها می‌پردازد و از سوی دیگر میزان و نوع رابطه بین متغیرهای پیش بین و ملاک را تعیین می‌کند. جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق، شامل کلیه زوج‌های هر دو شاغل در آموزش و پرورش شهرستان دلفان است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به امر آموزش مشغول هستند. این جامعه شامل ۱۲۸ زوج و یا به عبارتی ۲۵۶ نفر می‌باشد. نمونه آماری با جامعه آماری در این پژوهش برابر است، به عبارتی با توجه به این که ماهیت پرسشنامه رضایت زناشویی به گونه ای است که احتمال افت آزمودنی وجود دارد، لذا پژوهشگران جهت بررسی بهتر و دقیق تر روابط مورد پژوهش از نمونه گیری جامع استفاده کرده و کل جامعه آماری

1. Brumbaugh
2. Schoder
3. Gupta & Singh
4. Gollup

را مورد بررسی قرار داده اند. بدین منظور پرسشنامه‌های سه گانه در اختیار آنان (زنان و مردان به صورت جداگانه) قرار داده شد و در نهایت ۱۱۹ زوج یا به عبارتی ۲۳۸ نفر به آنها پاسخ دادند.

۱. پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ^۱: برای سنجش میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه انریچ؛ پربرسازی و تقویت رابطه، ارتباط و خشنودی انتخاب شده است. این پرسشنامه توسط اولسون، فورنیر و دراکمن^۲ تهیه شده و هدف از ساخت آن تعیین حیطه‌های کاری، نقاط قوت زوجین و سنجش رضایت زناشویی است. از این پرسشنامه برای تشخیص زوج‌هایی استفاده می‌شود که نیاز به مشاوره و تقویت رابطه خود دارند. به علاوه، این پرسشنامه به عنوان یک ابزار معتبر در تحقیقات متعدد برای بررسی رضایت زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است (ثنائی ذاکر، ۱۳۸۷).

فرم کامل پرسشنامه از ۱۱۵ سؤال و ۱۲ زیر مقیاس تشکیل شده است که به جز مقیاس اول که ۵ سؤال دارد، بقیه مقیاس‌ها شامل ۱۰ سؤال است. در این پژوهش از فرم کوتاه ۴۷ سؤالی که سلیمانیان (۱۳۷۳) آن را اعتباریابی نموده، استفاده شده است. این فرم کوتاه همان ۱۲ خرده مقیاس را شامل می‌شود. پژوهشگر مذکور با توجه به زیاد بودن سؤالات پرسشنامه (۱۱۵ سؤال) که موجب خستگی بیش از حد آزمودنی‌ها می‌شد، تصمیم گرفت فرم کوتاهی از آن تهیه کند. برای این منظور ابتدا همبستگی هر یک از سؤالات با کل پرسشنامه از طریق ضریب همبستگی محاسبه گردید و سپس ۴۷ سؤالی که از همبستگی نسبتاً بالایی برخوردار بودند، انتخاب شدند.

پرسشنامه به صورت پنج گزینه‌ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است. به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود. نمره گذاری پرسشنامه به دو روش نمره رضایت کلی از روابط زناشویی و محاسبه نمرات مقیاس‌های فرعی انجام می‌شود. ضرایب آلفای پرسشنامه انریچ در گزارش اولسون، فورنیر و دراکمن (۱۹۸۹)، به نقل از ثنائی ذاکر، (۱۳۸۷) برای خرده مقیاس‌های تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزند پروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی به ترتیب از این قرار است: ۰/۹، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲، ۰/۷۱. ضریب اعتبار فرم ۴۷ سؤالی سلیمانیان (۱۳۷۳) بر روی یک گروه ۳۰ نفری، با استفاده از ضریب آلفا محاسبه گردید و ضریب اعتبار ۰/۹۵ به دست آمد. اعتبار باز آزمایی پرسشنامه در فاصله ۴ هفته بین ۰/۷۷ (برای فعالیت‌های اوقات فراغت) تا ۰/۹۲ (برای روابط جنسی و تحریف آرمانی) با میانگین ۰/۸۶ بوده است. همچنین ضریب همبستگی پرسشنامه با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۱ است که نشانه روایی سازه آن است. کلیه خرده مقیاس‌های

1. ENRICH: Enriching and Nurturing Relationship Issues, Communication and Happiness.
2. Olson, Fournier & Druckman

پرسشنامه انریچ زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (ثنائی ذاکر، ۱۳۸۷).

۲. پرسشنامه اطلاعات فردی- خانوادگی: برای سنجش عوامل فردی- خانوادگی (طول مدت ازدواج، تفاوت سنی زن و شوهر، تعداد فرزندان، میزان درآمد ماهانه، سن ازدواج، نوع ازدواج، سابقه طلاق و میزان تحصیلات) از پرسشنامه محقق ساخته، شامل ۱۰ سؤال استفاده شد که در بردارنده سؤالاتی درباره موارد فوق می‌باشد و آزمودنی‌ها در آن با انتخاب یک گزینه، پاسخ خود را در مورد موضوع مورد نظر مشخص می‌کردند. جهت روایی محتوای پرسشنامه علاوه بر مؤلفان مقاله حاضر از نظرات صاحب‌نظران و متخصصان موضوعی استفاده شد.

۳. پرسشنامه ترجیحات همسرگزینی: برای پی بردن به ترجیحات همسرگزینی افراد نیز از پرسشنامه محقق ساخته‌ای که نصرآبادی (۱۳۸۴) در پایان نامه خود تدوین نموده، استفاده شد. این پرسشنامه شامل شش گزینه می‌باشد. و آزمودنی‌ها با انتخاب یک گزینه از آن ترجیحات همسرگزینی خود را مشخص می‌نمودند. به دلیل آن که این پرسشنامه فقط دارای شش گزینه است فاقد معیارهای نیاز به پایایی است از سوی دیگر روایی پرسشنامه از نوع محتوایی است. به این معنی که پرسشنامه و گزینه‌های آن توسط چند تن از متخصصان روانشناسی و مشاوره خانواده مورد تأیید قرار گرفته است.

یافته‌ها

در این پژوهش ۲۳۸ نفر (۱۱۹ زوج) شاغل در آموزش و پرورش مشارکت داشتند. از این تعداد، طول مدت ازدواج ۲۲ زوج (۱۸/۴۸) بین ۱ تا ۵ سال، ۳۶ زوج (۳۰/۲۵) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۳۵ زوج (۲۹/۴۲) بین ۱۱ تا ۱۵ سال و ۲۶ زوج (۲۱/۸۵) ۱۶ سال و بالاتر بود. تفاوت سنی ۳۹/۴۹ زوج‌ها ۱ تا ۳ سال، ۳۷/۴۰ زوج‌ها بین ۴ تا ۷ سال، ۹/۲۴ زوج‌ها ۷ سال و بالاتر و ۱۳/۸۷ زوج‌ها نیز با هم تفاوت سنی نداشتند. ۶۹/۷۵ زوج‌ها یک تا دو فرزند، ۱۸/۹۱ آنها سه فرزند، ۲/۹۴ زوج چهار فرزند و بالاتر و ۸/۴۰ زوجین نیز فرزندی نداشتند. در مورد میزان درآمد ماهانه خانواده با توجه به هر دو شاغل بودن زوج‌ها، ۵۵/۰۴ آنان بین یک میلیون و پانصد تا دو میلیون تومان، ۲۰/۵۹ بین دو میلیون تا سه میلیون تومان، ۵/۰۴ بالاتر از سه میلیون تومان و ۱۸/۴۹ از زوج‌ها نیز عنوان کردند که کمتر از یک میلیون و پانصد هزار تومان درآمد دارند. ۱/۲۶ آزمودنی‌ها زیر ۱۷ سال، ۱۶/۸۱ آنها بین ۱۷ تا ۲۰ سالگی، ۷۶/۰۵ بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی و ۵/۸۸ آنان نیز در سنین بالای ۳۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. نوع ازدواج ۹۲ زوج (۷۷/۳۱) غیر فامیلی و ۲۷ زوج نیز (۲۲/۶۹) بصورت فامیلی ازدواج کرده بودند. از بین کل آزمودنی‌ها ۲۳۳ نفر (۹۷/۹) سابقه طلاق نداشتند و فقط ۵ نفر (۲/۱) سابقه طلاق و ازدواج مجدد را داشتند. بیش‌تر آزمودنی‌ها، ۱۳۸ نفر (۵۷/۹۹) مدرک تحصیلی شان لیسانس، ۶۵ نفر (۲۷/۳۱) مدرک کاردانی، ۲۴ نفر (۱۰/۰۸) مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر و ۱۱ نفر (۴/۶۲) از آنان نیز مدرک تحصیلی دیپلم داشتند.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر رضایت زناشویی به تفکیک ترجیحات همسرگزینی

ترجیحات همسر گزینی	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
رضایت خود و خانواده	۱۵۷	۱۳۳/۴۸	۱۴/۳۳	۱۰۸	۱۷۲
اجبار خانواده و عدم آشنایی قبلی	۸	۱۴۵/۳۳	۱۴/۲۲	۱۲۹	۱۵۵
آشنایی و رضایت خانواده	۵۰	۱۴۸/۵۲	۱۵/۰۶	۹۶	۱۶۶
دوستی و مخالفت خانواده	۱۴	۱۴۴/۸۳	۹/۶۴	۱۳۳	۱۵۹
آشنایی قبلی و ازدواج اجباری	۹	۱۳۴/۴۰	۱۲/۹۵	۱۱۳	۱۴۵

برای بررسی رابطه میزان تحصیلات و رضایت زناشویی از دو روش استفاده شده است: روش اول مقایسه تفاوت میانگین رضایت زناشویی به تفکیک تحصیلات و آزمون تحلیل واریانس یک راهه که در جدول ۲، آمده است و روش دوم به دلیل آن که تحصیلات آزمودنی‌ها به صورت رتبه ای درجه بندی شده استفاده از آزمون همبستگی اسپیرمن شد. که نتایج آن در جدول ۳، آمده است.

جدول ۲. مقایسه تفاوت میانگین رضایت زناشویی به تفکیک سطح تحصیلات

منابع تغییر	SS	df	MS	F	P
بین گروهی	۴۸۴/۰۰۹	۳	۱۶۱/۳۳	۰/۲۰۵	۰/۸۹۳
درون گروهی	۱۴۲۹۸/۸۵	۲۳۴	۷۸۵/۶۳		
کل	۳۹۱۸۷/۸۷	۲۳۷			

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مقدار $F=0/205$ در سطح $P < 0/05$ معنادار نیست. لذا بین میزان رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل در آموزش و پرورش به تفکیک میزان تحصیلات آنها تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی عوامل فردی- خانوادگی و رضایت زناشویی

عوامل فردی- خانوادگی	رضایت زناشویی	سطح معناداری
میزان تحصیلات	-۰/۰۴۸	۰/۲۵۹
میزان درآمد ماهانه	۰/۲۶۸	۰/۰۰۱
طول مدت ازدواج	-۰/۱۱۷	۰/۰۱۲
تفاوت سنی زن و شوهر	-۰/۰۰۷	۰/۴۶۳
تعداد فرزندان	-۰/۱۴۹	۰/۰۳۱
سن ازدواج	۰/۰۴۶	۰/۲۶۸

نتایج ضریب همبستگی در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین میزان درآمد ماهانه، طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان با رضایت زناشویی در سطح $P < 0.05$ رابطه معنادار وجود دارد. که البته این رابطه در مورد طول مدت ازدواج و تعداد فرزندان، منفی و در مورد میزان درآمد ماهانه به صورت همبستگی مثبت می‌باشد.

جدول ۴. مقایسه تفاوت میانگین رضایت زناشویی به تفکیک ترجیحات همسرگزینی

منابع تغییر	SS	df	MS	F	P
بین گروهی	۲۳۸۳/۳۴	۴	۵۹۵/۸۳	۲/۸۸*	۰/۰۲۴
درون گروهی	۳۶۸۰۴/۵۳	۲۳۳	۲۰۶/۷۶		
کل	۳۹۱۸۷/۸۷	۲۳۷			

نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که مقدار $F = 2/882$ در سطح $P < 0.05$ معنادار است، لذا بین میزان رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل در آموزش و پرورش به تفکیک ترجیحات همسرگزینی آنها تفاوت معناداری وجود دارد. برای بهتر روشن شدن این تفاوت از آزمون تعقیبی شفه استفاده شده است. قبل از ارائه نتایج آزمون تعقیبی شفه لازم به ذکر است که ترجیحات همسرگزینی در این پژوهش به پنج صورت زیر مطرح شده بود که آزمودنی‌ها با توجه به آن همسران خود را انتخاب نموده اند:

الف. خواستگاری با رضایت خود و خانواده ب. خواستگاری به اجبار خانواده و عدم آشنایی قبلی
ج. آشنایی و رضایت خانواده د. دوستی و مخالفت خانواده ه. آشنایی قبلی و ازدواج اجباری.

جدول ۵: نتایج آزمون تعقیبی شفه

سطح معناداری	انحراف معیار	اختلاف میانگین	J I
		(I-J)	
۰/۰۶۱	۶/۰۱۴	۱۱/۳۴۵	الف
۰/۹۶۱	۱۰/۱۶۷	-۰/۵۰۰	ب
۰/۰۱۱	۶/۳۱۸	*-۱۶/۳۰۷	ج
۰/۰۱۹	۶/۹۴۵	*-۱۶/۵۰۰	ه

نتایج آزمون تعقیبی شفه در جدول ۵، نشان می‌دهد که میزان رضایت زناشویی در بین افرادی که با شیوه همسرگزینی دوستی و مخالفت خانواده اقدام به گزینش همسر نموده اند با افرادی که با شیوه آشنایی و رضایت خانواده، همسر خود را انتخاب نموده اند و همچنین با افرادی که همسر خود را با شیوه آشنایی قبلی و اجبار در ازدواج انتخاب کرده اند تفاوت معناداری وجود دارد و افرادی که با شیوه آشنایی و رضایت خانواده همسرگزیده اند از میزان رضایت زناشویی بیش‌تری نیز برخوردارند. برای بررسی رابطه نوع ازدواج و سابقه طلاق با رضایت زناشویی نیز از دو روش استفاده شده است. در حالت اول مقایسه تفاوت میانگین میزان رضایت زناشویی در دو نوع ازدواج (فامیلی و غیرفامیلی) و سابقه طلاق (فاقد یا دارای سابقه طلاق) با استفاده از آزمون t و حالت دوم استفاده از تحلیل واریانس یک راهه است.

جدول ۶. نتایج آزمون t جهت مقایسه تفاوت میانگین رضایت زناشویی انواع ازدواج

نوع ازدواج	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
فامیلی	۱۸۴	۱۳۲/۹۳	۱۴/۶۶	۰/۷۱۵	۲۳۵	۰/۴۷۵
غیر فامیلی	۵۴	۱۳۱/۰۲	۱۴/۵۲			

نتایج آزمون t در جدول ۶ نشان می‌دهد بین میزان رضایت زناشویی افراد به تفکیک نوع ازدواج (فامیلی و غیر فامیلی) تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۷. نتایج آزمون t جهت مقایسه تفاوت میانگین رضایت زناشویی و سابقه طلاق

نوع ازدواج	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
فاقد سابقه طلاق	۲۳۳	۱۳۲/۲۸	۱۴/۵۴	-۱/۹۴	۲۳۶	۰/۰۵۴
دارای سابقه طلاق	۵	۱۴۶/۵۰	۱۰/۳۷			

نتایج آزمون t در جدول ۷ نشان می‌دهد بین میزان رضایت زناشویی افراد به تفکیک سابقه طلاق (افراد فاقد یا دارای سابقه طلاق) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۸. مقایسه تفاوت میانگین رضایت زناشویی به تفکیک نوع ازدواج و سابقه طلاق

منابع تغییر	SS	df	MS	F	P
نوع ازدواج	۲۵۷۸/۷۱	۲	۶۹۵/۸۷	۱/۴۵۴	۰/۴۷۵
سابقه طلاق	۲۴۷۳/۳۴	۲	۶۳۴/۷۱	۲/۰۶۷*	۰/۰۵۴

داده‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که مقدار $F=2/067$ برای سابقه طلاق در سطح $P < 0/05$ معنادار بوده اما مقدار F برای نوع ازدواج معنادار نیست. لذا بین میزان رضایت زناشویی زوجین هر دو شاغل در آموزش و پرورش به تفکیک سابقه طلاق آنها تفاوت معناداری وجود دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از عدم وجود رابطه بین میزان تحصیلات و رضایت زناشویی است. این نتیجه با یافته‌های نصرآبادی (۱۳۸۴) همخوانی داشته ولی با یافته‌های باقری (۱۳۸۳) که تأثیر مثبتی بین تحصیلات زن و شوهر و ثبات زناشویی یافت، تناقض دارد. در تبیین نتیجه به دست آمده به نظر می‌رسد از آنجایی که بیش از ۸۵ درصد نمونه‌های پژوهش حاضر دارای مدرک تحصیلی کاردانی یا کارشناسی هستند و افراد با تحصیلات پایین یا بیسواد در این نمونه وجود نداشت و همین علت، یعنی عدم پراکندگی میزان تحصیلات، باعث شد اکثر افراد از سطح تحصیلات نزدیک به هم برخوردار باشند و با افزایش سطح تحصیلات طبقه بندی شده تغییر چندانی در میانگین رضایت زناشویی به وجود نیاید و رابطه خطی مشخصی موجود نباشد. همچنین جدیری، جان بزرگی و رسول زاده طباطبائی (۱۳۸۸) در تبیین این مسئله معتقدند که آنچه موجب نارضایتی و اختلاف زوجین می‌شود، نبود تحصیلات و یا اختلاف فاحش بین تحصیلات زوجین است که در پژوهش حاضر این میزان از تفاوت تحصیلی وجود نداشت.

رابطه بین میزان درآمد ماهانه و رضایت زناشویی معنادار می‌باشد. از این رو با افزایش میزان درآمد زوجها میزان رضایت زناشویی آنان افزایش می‌یابد. این یافته با یافته‌های پژوهشگران دیگر همچون؛ لوچتی، ۱۹۹۹؛ کلایفورد، ۲۰۰۸؛ بکچتی و روزتی، ۲۰۰۹ و شبانی حصار، ۱۳۷۹ همخوانی دارد. اکثر محققان به تأثیر وضعیت اقتصادی و میزان درآمد ماهانه بر رضایت و کیفیت زندگی زناشویی اشاره کرده و بیان داشته‌اند که مشکلات اقتصادی پیامدهای متعددی بر زوجها می‌گذارد و زمینه را برای پریشانی زناشویی فراهم می‌کند. لوچتی (۱۹۹۹) بیان می‌کند که مشکلات اقتصادی باعث کاهش رضایت زناشویی شده و با ایجاد پریشانی هیجانی و الگوهای تعاملی منفی بین زوج، کیفیت و ثبات زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

رابطه طول مدت ازدواج و رضایت زناشویی در این پژوهش همبستگی منفی را نشان داد. یافته‌های به دست آمده در این فرضیه با یافته‌های شبانی حصار، ۱۳۷۹؛ صداقت، ۱۳۸۲ همخوانی دارد. در مورد رابطه منفی بین طول مدت ازدواج و رضایت زناشویی می‌توان گفت که اکثر همسران جوان و کسانی که مدت زیادی از زندگی زناشویی شان نمی‌گذرد شاید به این علت رضایت زناشویی بالایی را گزارش کرده‌اند که چون در اوایل زندگی مشترک همسران وقت و انرژی بیشتری برای فعالیت‌های مشترک دارند و موارد تعارض مربوط به روش تربیت بچه‌ها کمتر است. با افزایش طول مدت ازدواج، زوجها با مشکلات متعددی از جمله فرزند پروری و تربیت فرزندان، مشکلات اقتصادی، و چالش‌های جدید مواجه می‌شوند

که این مسائل بر زندگی زوجها تأثیر منفی گذاشته و رضایت زناشویی آنان را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به این که ۵۹/۶۶ درصد زوج‌های مورد بررسی در این پژوهش در دوران میانی زندگی زناشویی خود بودند و بین ۵ تا ۱۵ سال از زندگی زناشویی آنان می‌گذشت، این کاهش رضایت زناشویی با نمودار U شکل رضایت زناشویی همخوان است.

در این پژوهش همچنین رابطه معناداری بین تفاوت سنی زوجها و رضایت زناشویی یافت نشد. این نتیجه با یافته‌های زرشکن زمانپور (۱۳۸۰) همخوان است. در تبیین نتایج به دست آمده حسینی بیرجندی (۱۳۹۰) معتقد است در تعیین تفاوت سنی زن و شوهر مرز مشخصی وجود ندارد و مرد بالغ در هر سنی که باشد می‌تواند با زن بالغ در هر سنی ازدواج کند و بالعکس. از طرف دیگر تفاوت سنی زوجین فقط یکی از عوامل مؤثر بر حیات خانواده است و در نتیجه یک عامل، حیات خانواده مورد تهدید جدی قرار نمی‌گیرد و چه بسا زوج‌های زیادی که از شرط تفاوت سنی مناسب بی‌بهره اند ولی علی‌رغم آن از رضایت زناشویی برخوردارند (سالاری فر، ۱۳۹۲).

نتایج به دست آمده در این پژوهش همچنین حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین تعداد فرزندان و رضایت زناشویی است. این نتیجه با یافته‌های تحقیقات فلدمن، ۱۹۹۸؛ صداقت، ۱۳۸۲ و نصرآبادی، ۱۳۸۴ همخوان است. با افزایش تعداد فرزندان فشار بیش‌تری بر روابط زوجین به خصوص روابط جنسی وارد شده و منابع دیگر خانواده همچون مسکن و پول محدود شده و باید به اجزای کوچک‌تری تقسیم شود و از طرف دیگر توجه مادر نیز بیش‌تر به کودک معطوف می‌گردد که این امر با افزایش تعداد فرزندان شدت می‌یابد. بنابراین این مسائل باعث کاهش رضایت زناشویی و بروز مشکلاتی در روابط زناشویی می‌گردد.

بررسی رابطه بین سن ازدواج و رضایت زناشویی نیز نشان می‌دهد که رابطه بین این دو متغیر معنادار نیست. این یافته با نتایج به دست آمده توسط صداقت، ۱۳۸۲ و باقری، ۱۳۸۳ ناهمخوان بوده، اما با نتایج زرشکن زمانپور ۱۳۸۰ و نصرآبادی ۱۳۸۴ هماهنگ است. در مورد نتایج حاصل از این فرضیه و نقش سن ازدواج در رضایت زناشویی، سالاری فر (۱۳۹۲) معتقد است که هر چند نظر سنجی در ایران نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد از افراد، ۲۰ تا ۲۵ سالگی را سن مناسب ازدواج برای دختران و برای ازدواج پسران نیز ۲۴ تا ۲۸ سالگی را سن ایده آل می‌دانند، اما برخی بر این عقیده اند که شروع زندگی مشترک در دوران جوانی با مشکلات متعددی همراه بوده و دشواری‌های زیادی را در زندگی زناشویی زوج‌های جوان پدید می‌آورد، در حالی که ازدواج در سنین بالاتر و میانسالی این مشکلات را ندارد. همانطور که مشاهده می‌شود تحقیقات در این زمینه نتایج متناقضی را نشان می‌دهد که نتیجه گیری در این مورد را با مشکل روبرو می‌کند. البته ناگفته نماند که متخصصان حوزه خانواده دیدگاه‌های متفاوتی برای تعیین سن ازدواج دارند. این سن زمانی درست است که فرد در شرایط ایده‌آل تربیتی رشد کرده باشد و به نبوغ کافی برای پذیرش مسئولیت رسیده باشد.

نتایج به دست آمده همچنین نشان دادند که رابطه معناداری بین نوع ازدواج (فامیلی یا غیر فامیلی) و رضایت زناشویی وجود ندارد. این نتایج همخوان با نتایج صداقت، ۱۳۸۲؛ تقوایی، ۱۳۸۵؛ صادق مقدم و همکاران، ۱۳۸۵ و ناهمخوان با نتایج به دست آمده توسط هارول، ۲۰۰۱ در ترکیه است. ازدواج‌های فامیلی هر چند به دلایلی، از جمله شناخت بیشتر زوجین از یکدیگر، همکاری در حل مشکلات مادی و دیگر مزیت‌ها ممکن است موفق تر جلوه نماید، اما این نوع پیوند از نظر سلامت جسمانی و روانی، خانواده‌ها را در مواردی دچار مشکل می‌کند. تشابه‌های ژنتیکی و بیماری‌های ارثی که امکان انتقال آن در ازدواج فامیلی بیشتر وجود دارد از معایب مهمی است که به این نوع انتخاب‌ها وارد است و دیگر مسائل منفی این نوع ازدواج‌ها از جمله ذهنیت منفی، دخالت‌های فامیلی، انتقال منازعات و مشکلات خانواده گسترده به درون خانواده باعث کاهش رضایت و سازگاری زناشویی شده و تأثیرات مثبت آن را خنثی نموده و به حداقل می‌رساند.

همچنین یکی دیگر از نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه بین سابقه طلاق و رضایت زناشویی معنادار است. که این با یافته‌های مک کری و کوستا (۱۹۹۲) همخوان است. ازدواج دوم کسی موفق تر است که بتواند فارغ از ازدواج اول با انگیزه‌های سالم و بهتری دست به انتخاب بزند. همه ازدواج‌های دوم اگر با بررسی‌های لازم انجام شده باشد به اندازه ازدواج اول شانس موفقیت دارند. بسیاری از کسانی که تجربه زندگی مشترک را دارند، قدر زندگی را بهتر می‌دانند و همچنین این افراد معمولاً پس از طلاق نسبت به مشکلات خود در زندگی گذشته شان آگاهی پیدا می‌کنند که این یکی از دلایل رضایت زناشویی در ازدواج‌های مجدد است. البته عوامل متعدد دیگری نیز از جمله علل طلاق، فاصله زمانی طلاق و ازدواج مجدد، وجود فرزندان و ... نیز در رضایت زناشویی این نوع ازدواج‌ها مؤثرند و حتی ممکن است موجب کاهش رضایت زناشویی شود که این موضوع نیاز به انجام پژوهش‌های جدید را می‌طلبد. البته در این پژوهش تعداد ۵ نفر از نمونه آماری سابقه طلاق داشتند و این تعداد محدود نمی‌تواند به طور اجمالی و کامل در تبیین این فرضیه مؤثر باشد. یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها همچنین نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین ترجیحات مختلف همسرگزینی و رضایت زناشویی است. این نتایج با یافته‌های به دست آمده در دیگر تحقیقات انجام گرفته به وسیله گوپتا و سینگ، ۲۰۰۳؛ مؤسسه آمریکایی گالوپ، ۱۹۸۸؛ شودر و همکاران، ۱۹۹۰؛ نصرآبادی، ۱۳۸۴ و مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸ همخوانی دارد. این نتایج مبین آن است که در افراد جوان که اغلب بر پایه احساسات متقابل به همسرگزینی دست می‌زنند، نوعی حالت عاشق بودن وجود دارد که در آن محبوب به طور واقعی نگرسته نمی‌شود و این عشق تند به اعتیاد به مواد مخدر شباهت دارد که با تکرار آن میزان تحمل افزایش می‌یابد و بعد از مدتی نشاطی تولید نمی‌کند و عشقی شکل می‌گیرد که دیگر شاعرانه نیست و سرانجام نوبت به تنها شدن و طلاق گرفتن می‌رسد (مایرز^۱، ۲۰۰۲، به نقل از نصرآبادی، ۱۳۸۴). البته

پژوهشگران در مطالعات متعدد بر تفاوت ازدواج‌های از پیش تعیین شده و ازدواج‌های اجباری اشاره کرده اند (کانگلی، رازاک و مک کاری، ۲۰۰۶).

بنابراین با مرور نتایج به دست آمده در این زمینه می‌توان نتیجه گرفت با اینکه تغییرات تکنولوژی و ساختارهای اجتماعی منجر به ایجاد تغییراتی در ارزش‌های فرهنگی برخی جوامع شده است، اما به دلیل نقش مهمی که "من خانوادگی" در ایران بر روی سلامت خانواده و ثبات ازدواج افراد ایفا می‌کند (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸)، نه تنها نمی‌توان به سادگی نقش خانواده و والدین را در انتخاب همسر فرزندان، نادیده گرفت بلکه باید بر اهمیت مداخله خانواده تأکید کرد. مظاهری و همکاران (۱۳۸۸) نیز در مطالعه خود گزارش داده اند که یکی از پیش بینی کننده‌های مهم طلاق زوجین در ایران (از بین ۵ عامل اول) نقش خانواده اصلی است.

با توجه به این که نتایج پژوهش حاضر نشان داد که برخی از عوامل فردی- خانوادگی و ترجیحات همسرگزینی پیش بینی کننده‌های معناداری از رضایت زناشویی می‌باشند، پیشنهاد می‌شود افرادی که قصد ازدواج دارند قبل از ازدواج با مراجعه به مراکز مشاوره خانواده و کلینیک‌های روانشناختی اطلاعات لازم را در مورد متغیرهای فردی- خانوادگی (سابقه طلاق، میزان درآمد، میزان تحصیلات، نوع ازدواج، تفاوت سنی و ...) یکدیگر و انواع ترجیحات همسرگزینی کسب نموده و با آگاهی بیش تری انتخاب نمایند. همچنین با توجه به رضایت زناشویی بیش تر در شیوه همسرگزینی آشنایی و رضایت خانواده، این شیوه جهت انتخاب همسر توصیه می‌شود. لازم به ذکر است با توجه به آن که جامعه مورد پژوهش، زوجین هر دو شاغل در آموزش و پرورش بودند و از آنجایی که نتایج پژوهش حاضر و تحقیقات قبلی از جمله پژوهش توماس، آلبرت و وایت (۱۹۸۴)؛ لاگران و زیسی موپلوس (۲۰۰۷) و نظری و سلیمانیان (۱۳۸۶) نشان داده است رضایت زناشویی در بین این زوج‌ها بسیار پایین و وقوع طلاق در آنها بسیار شایع است، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در پیشگیری از مشکلات خانوادگی و از هم پاشیدگی کانون خانواده‌های این قشر خاص و سایر اقشار مشابه مورد استفاده مسئولان آموزش و پرورش، روانشناسان و مشاوران خانواده قرار گیرد. همچنین انجام تحقیقات طولی در ارتباط با موضوع پژوهش و دیگر عوامل مؤثر کمک زیادی به شناخت فرایند رضایت زناشویی و پایداری ازدواج می‌کند.

منابع

- باقری، افسانه (۱۳۸۳). بررسی رابطه کیفیت زناشویی با موقعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱ (۱): ۸۰-۵۷.
- برنشتاین، فیلیپ (۱۳۸۹). زناشویی درمانی از دیدگاه رفتاری-ارتباطی. ترجمه: حسن پور عابدی نائینی و غلامرضا منشی. تهران: انتشارات رشد. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۴).
- پیرمرادی، سعید (۱۳۸۳). روانشناسی فرهنگی و روانشناسی خانواده ایرانی. اصفهان: انتشارات همام.
- تقوایی، پگاه (۱۳۸۵). مقایسه تعارضات زناشویی در ازدواج‌های فامیلی و غیرفامیلی زنان دبیر شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء تهران.
- ثنائی ذاکر، باقر (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- جدیری، جعفر؛ جان بزرگی، مسعود و رسول زاده طباطبائی، سید کاظم (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضامندی زناشویی (بر اساس معیارهای دینی) با عوامل جمعیت شناختی؛ تحصیلات، طول مدت ازدواج، سن ازدواج و تفاوت سنی. فصلنامه روانشناسی و دین، ۲ (۵): ۸۴-۴۹.
- حافظ شعرباف، راضیه و حسینیان، سیمین (۱۳۷۹). مقایسه شخصیتی زنان متأهل شاغل و خانه دار شهر مشهد و ارتباط این ویژگی با رضامندی زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵ و ۶: ۷۳-۹۰.
- حسینی بیرجندی، مهدی (۱۳۹۰). آموزش و مشاوره قبل از ازدواج. تهران: انتشارات آوای نور.
- زرشن زمانپور، صدیقه (۱۳۸۰). بررسی رابطه رضایت زناشویی مادر با سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه پنجم شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۹۲). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. تهران: انتشارات سمت و حوزه و دانشگاه.

- سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی (بر اساس رویکرد شناختی) بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.

- شبانی حصار، حمید (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی زوجین با میزان رضامندی از زندگی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

- صداقت، حسین (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سن ازدواج، فامیلی یا غیر فامیلی بودن ازدواج، تعداد فرزندان و تشابه اعتقادی با رضایت زناشویی دبیران زن و مرد شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران.

- نصرآبادی، ام لیلی (۱۳۸۴). بررسی رابطه سازگاری زناشویی با سبک ازدواج زنان متأهل تهرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

- نظری، علی محمد و سلیمانیان، علی اکبر (۱۳۸۶). بررسی و مقایسه رضایت زناشویی زوج‌های هر دو شاغل و یکی شاغل. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۶ (۲۴): ۱۰۳-۱۲۲.

- نورانی پور، رحمت اله؛ بشارت، محمدعلی و یوسفی، اسکندر (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۶ (۲۴): ۳۹-۲۷.

- مظاهری، علی؛ صادقی، منصوره السادات؛ نصرآبادی، ام لیلی و انصاری نژاد، فاطمه (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج. فصلنامه راهبرد فرهنگ، ۵: ۷۲-۵۵.

- صادق مقدم، لیلا؛ عسگری، فریبا؛ معروضی، پرویز؛ شمس، هدایت اله و طهماسی، سیمین (۱۳۸۵). مقایسه رضایت زناشویی در زنان شاغل و خانه دار و شوهران آنها در شهر گناباد. افق دانش، ۱۲ (۲): ۴۹-۴۵.

-Adnan, A.Sultan, SH. Sabira,SH. (2013). Role of trust in marital satisfaction among single and dual career couples, International. **Journal of Research Studies in Psychology**,4(2):53-62.

-Arrindell, W.A., & Luteini, F. (2000). Similarity between intimate partners for personality traits as related to individual levels of satisfaction with life. **Journal of personality and individual differences**, 28: 629-637. -Becchetti, L., & Rossetti, F. (2009). When money does not buy happiness: the case of frustrated achievers. *Journal of Socio-Economics*, 38; 159-167.

-Brumbaugh, C. C.h. (2007) **Divergences in mate preferences and mate selection. Doctoral Dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign, Graduate College.**

-Burley, K.A. (1996). **Family-work spillover in dual-career couple:**

A.Clifford, L.B. (2008). Marriage in Michigan: factor that affect satisfaction. **Journal of Consulting and Clinic**, 45(6): 315-334.

-Cooper, R. (1991). **The performance edge: New strategies to work to work effectiveness and competitive.** Boston Houghton - Mifflin.

-Gangoli, G.; A. Razak & M. McCarry. (2006). **Forced Marriage and Domestic Violence Among South Asian Communicates in North East England. Retrieved** August 2, 2008. from [Http://www.find article.com](http://www.findarticle.com).

-Halford, W.K. (2001). **Brief couple therapy for couples.** New York: Guilford publications.

-Hurol, A. (2001). Consanguineous marriage and marital adjustment in Turkey the family. **Journal of marital and the Family**, 9 (2): 219-226.

-Jean King, J. (2005). Gender ideology: impact on dual-career couples' role strain, marital satisfaction, and life satisfaction. **A Dissertation for Doctor of Philosophy Journal of Socio-Economics**, 33: 189-211.

-Lillard, L.A., & L.J. Waite. (1993). A joint model of marital childbearing and marital disruption. **Journal of Demography**, 30: 653-681.

-Liss, M., Erchull, M.J., Staebell, E., & Axelson, S.J. (2010). Men want equality, but women don't expect it: Young adults' expectations for participation in household and child care chores. **Journal of Psychology of woman Quarterly**, 34: 243-252.

-Liu, J. Campbell, S. & Condie. H. (1995) **Ethnocentrism in dating preferences for an American sample: The in group bias in social context.** *Eur. J. So. Psy.*: Vol 25: pp. 95-115.

-Loughran, D.S., & Zissimopoulos, J. M. (2007). The effect of marriage and childbearing on wages of men and women. **The Journal of Human Resources** 44: 326-349.

-Lucchetti,A.E. (1999).**Economic hardship and marital distress**. Symposium in university of Texas at Austin. ICPR abstract: 354-356.

-McCrae,R.R.,& Costa,P.T. (1992). The five – factor model of personality and its relevance to personality disorder. **Journal of personality disorder**, 6: 343-359.

-Stutzer, A., & Frey, B. S. (2006). Does marriage make people happy, or do happy people get married? **Journal of Socio - Economics**, 35: 326-347.

-Sultan,N.,Tabassum,A.,&Abdullah,A.(2014). Dual-Career Couples inBangladesh: Exploring the Challenges, Canadian **Journal of Family and Youth**, 6(1): 29-57.

-Taniguchi, S.T., Freeman, P.A., Taylor, S., & Malcarne, B. (2006). Study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoor recreation. **Journal of experiential education**,28(3): 253-256.

-Thomas,s, Albert., & White, p.(1984). **Determinants of marital quality in Dual- career couple**. Family relations, 33: 513-521. .

-Tormeti,L,A.,&Abotsi,R.M.(2013).Personal Values: A Perceptual Lens for Investigating Spousal Perception of Marital Conflict among Ghanaian Dual Career Couples, **American Journal of Applied Psychology**,6(2): 68-74.

-William,C.D., & Mark,S. (2008). Marital psychological and physical aggression and children's mental and physical health: Direct, mediated, and moderated effects. **Journal of Consulting and Clinic**, 45(6):276-295.

-Yogev,s. (1983). **Dual-career couple: Tice of group psychotherapy**. New York: Basic books.

